

اقتصاد ایران

با آمار موجود بورس ورشکسته است ۱۲



بورس

رشد ۱۰۰ درصدی حجم مبادلات ۱۳



بورس

رودررویی ارکان بازار سرمایه ۱۳



بازار

دولت گرانی را کتمان نکند ۱۴

گزارش نظارتی چشم‌انداز هنوز آماده نیست

بهناز صادق‌پور



از راست فرهاد رهبر رئیس سازمان مدیریت و علی طیب‌نیا معاون اقتصادی سازمان

مهم‌ترین وظیفه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در شرایط حاضر چیست؟ در شرایطی که سه معاون سازمان به طور همزمان برای بازدید از دستاوردهای اقتصادی چین به آن کشور سفر کرده‌اند و کارکنان سازمان بیش از هر چیز نگران برچیده شدن اتوبوس‌های ایاب و ذهاب خود هستند، مهم‌ترین وظیفه سازمان در شرایطی که اندکی از بودجه ۸۵ فاصله گرفته، مسئله بنزین را به تصمیم‌گیری جمیع دستگاه‌ها منوط کرده و متمم بودجه را به ماه‌های میانی سال سپرده چیست؟ شاید مهم‌ترین وظیفه سازمان که اینک با عکس‌العمل سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات هم مواجه شده، ارائه نخستین گزارش نظارتی پیشرفت کشور در چارچوب موازین برنامه، چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام باشد. این گزارش باید مستقیماً از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به مقام معظم رهبری، دولت و مجلس ارائه شود. گزارشی که بنابر تکلیف ماده ۱۵۸ برنامه چهارم باید تا پایان تیرماه ارائه می‌شد. نخستین‌بار است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مکلف شده مستقیماً گزارشی برای مقام معظم رهبری تهیه کند و همزمان گزارش خود را به مجلس و دولت نیز تقدیم کند. در زمان تدوین برنامه و گنجاندن ماده ۱۵۸ در آن، این بند به‌عنوان اعتباری برای سازمان محسوب می‌شد. اما با سپری شدن بیش از ۴ ماه از سال ۸۵، عملاً گزارش مذکور آماده نشده و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ضمن عدول از حکم برنامه، هیچ زمان مشخص دیگری برای ارائه گزارش اعلام نکرده است.

اواسط اردیبهشت ماه ۲ نامه از طرف رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای تمامی اعضای دولت و برای واحدهای مختلف سازمان ارسال شد. در نامه مذکور آمده بود که گزارش پیشرفت کشور در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ساله در سال ۸۴ (به‌عنوان اولین سال اجرایی سند چشم‌انداز) با ملاحظات اعلام شده سازمان تهیه و تا تاریخ ۲۵ اردیبهشت به دفتر اقتصاد کلان سازمان ارائه شود. یعنی ۱۳ روز به دستگاه‌ها زمان دادند تا گزارش خود را ارائه کنند. مدت زمانی که معلوم بود با حجم بالای بوروکراسی موجود در دستگاه‌ها، کفاف ارائه گزارشات را نمی‌کند. ضمناً برای دستگاه‌ها مقرر شده بود که شاخص‌های بخش مربوطه درحد شاخص‌های کلیدی استخراج، تعریف و تکمیل شود. این شاخص‌ها باید براساس موازین برنامه، چشم‌انداز و سیاست‌های کلی می‌بود به طوری که امکان مقایسه آنها با کشورهای حوزه آسیای جنوب غربی وجود داشته باشد. برای تعیین شاخص‌ها نیز در پیوستی مجموعاً ۲۵۷ شاخص ارائه شده بود که دستگاه‌ها براساس آن اطلاعات خود را ارائه کنند. این شاخص‌ها در ۲۳ بخش «رشد و ساختار تولید»، «ساختار تقاضا»، «بهره‌وری»، «بازار کار»، «تورم، نقدینگی، ارز»، «تجارت خارجی»، «بازارهای مالی و سرمایه»، «توسعه بخش خصوصی»، «دولت»، «بخش تعاونی»، «انحصار، رقابت و آزادی اقتصادی»، «شاخص‌های تدبیر اقتصادی»، «آموزش و منابع انسانی»، «نظام نوآوری»، «شاخص‌های سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، توزیع مناسب درآمد»، «امور سیاسی»، «امور فرهنگی»، «امور دفاعی- امنیتی»، «بخش انرژی»، «بخش جمعیت»، «برابری جنسیتی»، «بخش محیط زیست» و «صنعت بیمه» طبقه‌بندی شده بود. علاوه بر این سازمان دستگاه‌ها را مکلف کرده وضعیت خود را در ارتباط با سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و مضامین ۱۲گانه برنامه چهارم تبیین کنند. همچنین اهداف و راهبردهای خود را اعلام کنند و تنگناها و مسائل اساسی خود را بگشایند. پس از مدتی برخی دستگاه‌ها نامه سازمان را پیگیری کردند و گروهی از کار عقب ماندند. در همین زمان به دلیل تغییر و تحول در سازمان، کار تهیه گزارش مغفول ماند و متولی جمع‌آوری اطلاعات از برنامه خود عقب ماند.

■ **گزارش آماده نیست**

اخیراً سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات پیگیر گزارش سازمان شده‌اند. در حالی که دو هفته از آخرین تاریخ ارائه گزارش سپری شده هنوز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی توضیحی در این خصوص ارائه نکرده است. جالب‌تر آنکه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در راستای وظایف نظارتی خود درصدد تهیه گزارش عملکرد کشور براساس سند چشم‌انداز است. حال آنکه گزارش مجمع باید در ادامه و براساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه شود. محسن رضایی دبیر مجمع اعلام کرد، تا بهمن ماه گزارش مجمع درخصوص چشم‌انداز آماده می‌شود. احتمالاً امکان جمع‌آوری اطلاعات وزارتخانه‌های مختلف و مقایسه تمامی اطلاعات آنها با کشورهای تعیین شده، به صورت مستقل برای مجمع وجود ندارد. چه در مورد خود سند چشم‌انداز ۲۰ساله هم، مجمع کار خود را بر چارچوب ساخته شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استوار کرد.

■ **تهیه ۲۵۷ شاخص در ۱۳ روز**

طبق محاسبات صورت گرفته در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و جداول تهیه شده ایران باید مجموعه ۲۵۷ شاخص را- پس از تلفیق اطلاعات دستگاه‌ها- با شاخص‌های مشابه کشورهای گوناگون مقایسه کند. در منطقه آسیای جنوب غربی، کشورهای ارمنستان، بحرین، مصر، فلسطین، عراق، اردن، کویت، لبنان، قطر، عربستان، سوریه، ترکیه، امارات، یمن، عمان، افغانستان، آذربایجان، گرجستان، پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان مبنای محاسبه هستند. کشورهای منتخب آسیای جنوب شرقی هم تایلند، مالزی، کره جنوبی و چین هستند. در اروپا کشورهای نروژ، آلمان و فرانسه انتخاب شده‌اند و منتخب کشورهای آمریکایی، آمریکا، برزیل و ونزوئلا هستند. در آفریقا، الجزایر، تونس و نیجریه مورد مقایسه قرار می‌گیرند و روسیه و لهستان هم از بلوک شرق در فهرست کشورهای مورد مقایسه خواهند بود. در واقع سازمان قصد داشت اطلاعات تمام دستگاه‌ها را در صورت وصول در تاریخ ۲۵ اردیبهشت تا پایان تیرماه تلفیق کند و حاصل را با تمامی کشورهای فوق‌الذکر مقایسه، نتیجه مقایسه را تنظیم و ظرف دو ماه حاصل کار را به مقام رهبری، دولت و مجلس تقدیم کند! متاسفانه نه از اطلاعات واصله دستگاه‌ها خبری هست و نه رامین پاشایی مدیرکل جدید دفتر اقتصاد کلان، خبری از سیر کار می‌دهد.

■ **مصاحبه تعطیل است**

مدتی است اخبار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی متوقف شده است. تنها اخباری محدود از طریق نشریه سازمان با هدف و جهت مورد نظر آن درج می‌شود. مصاحبه‌های کوتاهی هم در حاشیه جلسات مجلس، سفرهای استانی و یا . . . از مسئولان سازمان به گوش می‌رسد که یا درخصوص مسئله‌ای اظهارنظر محدود کرده‌اند و یا جواب سئوال را به چند ماه بعد موکول کرده‌اند. بنابراین دستگاهی که عملاً تمامی اطلاعات دستگاه‌های مختلف را در اختیار دارد، سکوت کرده تا امکان پایش بسیاری از امور از دست برود. مسئولان سازمان درخصوص تورم و نقدینگی اظهارنظر چندانی نمی‌کنند و در مقابل موج گرانی‌ها استراتژی سکوت پیشه کرده‌اند. فرهاد رهبر و معاونانش از مصاحبه‌های تفصیلی سر باز می‌زنند و با سپری شدن حدود یک سال از فعالیت خود- برخلاف اعلام پیشین- نتایج کار را ارائه نمی‌کنند. کار به جایی رسیده که در جلسه شورای مشورتی مدیران، اعلام شده «مسئولان سازمان مصاحبه نکنند». بستگی اطلاعات سازمان به جایی رسیده شنیده می‌شود که فرهاد رهبر پیشنهاد اینکه سخنگوی اقتصادی دولت باشد را رد کرده است. شاید دلیل این سکوت و بستگی اطلاعات، نرسیدن به ارقام مقرر برنامه چهارم باشد. ظاهراً وضعیت عملکرد اقتصادی کشور در سال گذشته به گونه‌ای بوده که در بسیاری از شاخص‌های کلیدی، ایران پسرفت کرده و وابستگی اقتصاد به نفت هم بیشتر شده است.

■ **۱۸ پروژه برای بودجه‌ریزی عملیاتی**

مدیرکل روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اواسط بهار امسال اعلام کرد کار بررسی تبصره‌های بودجه آغاز شده و بودجه‌ریزی عملیاتی دنبال می‌شود. از جمله فعالیت‌هایی که می‌تواند ایران را به اهداف چشم‌انداز برساند بودجه‌ریزی براساس فعالیت است. یعنی برخلاف سالیان گذشته به جای افزودن سالانه به بودجه دستگاه‌ها، براساس هزینه فعالیت‌ها، بودجه آنها تعیین شود. فاز اول بودجه‌ریزی عملیاتی که سال قبل شروع شده شفاف‌سازی اطلاعات بود گرچه در همین سال، شفاف‌سازی یارانه‌های انرژی از بودجه سال ۸۵ رخت بربست. در سال ۸۵ هم مقرر شده تشکیلاتی براساس زمانبندی منظم، کار عملیاتی شدن بودجه را دنبال کنند. در ستاد بودجه هم کمیسیون تخصصی به ریاست علی طیب‌نیا معاون اقتصادی سازمان تشکیل شده است. تمامی معاونان سازمان و چند مدیر کل هم در این کمیسیون عضویت دارند. متاسفانه با سپری شدن یک سال از شروع بودجه‌ریزی عملیاتی، تازه آشنایی با مفاهیم بودجه‌ریزی عملیاتی در دستور کار قرار گرفته. در عین حال ۱۸ پروژه برای عملیاتی شدن بودجه‌ریزی تعریف شده است. عریض و طویل شدن پروژه‌های مربوط به عملیاتی شدن بودجه احتمالاً باعث موازی‌کاری و زمان‌بر بودن طرح می‌شود و بر مشکلات می‌افزاید. به این ترتیب سازمان از برخی فعالیت‌های خود عقب مانده و حاضر نیست توضیحی در این خصوص ارائه کند.

رضوی از راه‌اندازی فازهای ۶ و ۷ و ۸ در سال آینده خبر داد

انتقال عسلویه به سه شهر جدید

رضا زندی



مردم منطقه عسلویه به شهرهای جدید منتقل می‌شوند: «آلودگی منطقه واقعاً بالا است. به همین خاطر مردم عسلویه، نخ‌تقی، بیدخون و ۲۲ روستای تابعه به شهرهای جدید منتقل می‌شوند.» مدیرعامل منطقه ویژه پارس که برای نشان دادن انتقال دفتر شرکتش از تهران به منطقه! خبرنگاران را به عسلویه برده بود افزود: «این انتقال ظرف پنج سال آینده صورت خواهد گرفت.» سیدجلیل رضوی با اشاره به ساخت شهرهای جدید گفت: «تعداد کل ساکنین عسلویه، نخ‌تقی، بیدخون و ۲۲ روستای تابعه آن ۳۰ هزار نفر است. حدود ۶۰ هزار نفر هم به عنوان نیروی کار در منطقه حضور دارند که با شروع طرح انتقال به سه شهر سیراف، دیر و پارس منتقل می‌شوند.»

شهر سیراف در ۱۵ کیلومتری، شهر دیر در ۱۰۰ کیلومتری و شهر پارس در ۶۰ کیلومتری منطقه ساخته می‌شوند و هر یک ۵۰ هزار نفر ظرفیت سکونت خواهند داشت: «همه باید بروند و در پنج سال آینده ۲۰۰ هزار نفر در شهرهای تازه تاسیس سکنی خواهند گزید.» هفت سال پیش زمانی که در منطقه عسلویه سفره پالایشگاه پهن نشده بود یک شرکت انگلیسی مطالعه‌ای را انجام داد و پس از آن اعلام کرد که ساکنان منطقه پارس جنوبی باید از منطقه فاصله بگیرند: «ما هنوز هم بر این عقیده هستیم. شورای عالی شهرسازی نیز مجوز احداث شهر سیراف در منطقه چاه مبارک را صادر کرده است.» آلودگی زیست‌محیطی و مشکلات ناشی از صنعتی شدن منطقه چاره‌ای جز تغییر محل سکونت اهالی باقی نگذاشته است. مردم عسلویه حق دارند تا با مهاجرت به شهرهای جدید از مواهب رفاهی گاز پارس جنوبی متنعم شوند.

■ **تحولات سیاسی تاثیری بر پارس جنوبی ندارد**

خبرنگاری از مدیرعامل منطقه ویژه پارس درباره تاثیر تحولات سیاسی اخیر بر فعالیت شرکت‌های خارجی در پروژه‌های پارس جنوبی سئوال می‌کند: «تحولات سیاسی اخیر منطقه‌ای هیچ تاثیری در روند فعالیت شرکت‌های خارجی در پارس جنوبی نداشته است.» سیدجلیل رضوی ترجیح داد به اسامی شرکت‌های مشغول فعالیت در پارس جنوبی اشاره کند: «هم اکنون تعداد زیادی از شرکت‌های خارجی از جمله دوو، ال‌جی، هیوندای، انی، شل و توتال در پارس جنوبی فعال هستند و فعالیت آنها نیز شتاب بیشتری نسبت به گذشته دارد.»

وی در توجیه ادامه فعالیت شرکت‌های خارجی در پارس جنوبی گفت: «شرکت‌های خارجی به منافع و آینده خود در صنعت نفت ایران توجه دارند. روند فعالیت شرکت‌های خارجی در تعهداتشان در پارس جنوبی نشان می‌دهد تحرک بیشتری در سایت شماره دو اتفاق خواهد افتاد.» شرق می‌پرسد:

■ **اما شنیده شده در برخی از فازها از جمله در فاز ۹ و ۱۰ شرکت‌های خارجی با کاهش فعالیت مواجه بوده‌اند.**

«این مسئله دلایل سیاسی نداشت. به دلیل تعطیلات عید، منابع مالی ضعیف و مسائل مدیریتی در فاز ۹ و ۱۰ کاهش فعالیت را داشتیم که با دستور وزیر نفت جمع شد و در حال جبران عقب‌ماندگی هستیم.» فاز ۹ و ۱۰ به کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های LG، اویک و تاسیسات دریا واگذار شده و باید سال آینده به بهره‌برداری برسد. «در فعالیت‌های عمرانی منطقه ویژه هم کاهش فعالیت عمرانی نداشتیم. بلکه پروژه‌هایمان در این مدت سرعت هم گرفت. حمایت دولت از طریق حساب ذخیره ارزی بی‌سابقه بوده است.» مدیرعامل منطقه ویژه پارس جنوبی در حالی از سرعت گرفتن پروژه‌های عمرانی در منطقه خبر داد که به‌رغم تاکید وزیر نفت برای تکمیل فرودگاه خلیج‌فارس ظرف یک ماه هنوز کامیون‌ها در حال کار در این فرودگاه هستند هر چند مشکلی برای پروازها نیست. خبرنگاری از حضور کم وزیر نفت در منطقه (نسبت به دولت گذشته) انتقاد می‌کند: «وزیر نفت مرتب به منطقه می‌آیند.» رضوی هنگامی که برای ذکر آخرین تاریخ سفر وزیری‌هامانه به عسلویه به حافظه‌اش رجوع می‌کند به تاریخی زودتر از یک ماه گذشته نمی‌رسد! «آخرین بار حدود یک ماه پیش آقای وزیر به همراه ریاست محترم مجلس به منطقه آمدند.» عسلویه بیش از اینها پیگیری می‌خواهد.

■ **افتتاح ۵ فاز جدید در ۳ سال**

«فازهای ۶، ۷، ۸ و ۱۲ تا ۱۶ ماه دیگر افتتاح می‌شوند.» مدیرعامل منطقه ویژه پارس با اعلام این خبر درصد پیشرفت این فازها را ۸۰ تا ۸۵ درصد اعلام کرد. آماری که با گفته‌های سایر مقامات مسئول مطابقت نداشت. رضوی درباره آخرین وضعیت فازهای ۱۵ و ۱۶ گفت: «سپاه پاسداران در زمان سفر دکتر حدادعادل قرارداد فازهای ۱۵ و ۱۶ را امضا کرد. تاکنون کارگاهشان را تجهیز کرده‌اند. سپاه نیروهایش را بسیج کرده است.» وی درباره فازهای باقی‌مانده پارس جنوبی اظهار داشت: «تاکنون پنج فاز از مجموع ۲۸ فاز پالایشگاهی که قرار است در پارس جنوبی اجرا شود به بهره‌برداری رسیده است و تا سه سال آینده پنج فاز دیگر نیز به بهره‌برداری خواهد رسید.» به گفته مدیرعامل منطقه ویژه پارس تاکنون ۲۰ میلیارد دلار در مجموع پروژه‌های پارس جنوبی سرمایه‌گذاری شده است: «این رقم تا پایان احداث فازهای باقی‌مانده به ۵۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.»

■ **نگرانی‌ها از قطر**

اکبر ترکان مدیرعامل نفت و گاز پارس چند ماه پیش درست در زمانی که شایعه کند شدن فعالیت‌ها در پارس جنوبی همه جا را فرا گرفته بود در مصاحبه‌ای از آغاز فعالیت سایت دوم پارس جنوبی خبر داد تا دولت جدید هم در عسلویه فعال نشان دهد. جلیل رضوی روز پنجشنبه اعلام کرد: «سایت دوم ۱۳ هزار هکتار است که با الحاق آن به سایت فعلی، کل پارس جنوبی یک شهرک صنعتی ۳۰ هزار هکتاری خواهد بود.» وی از واگذاری زمین چهار فاز در سایت دوم خبر داد: «فعالیت‌هایمان را در دو سایت به‌طور همزمان دنبال می‌کنیم. در سایت دوم زمین چهار فاز تحویل شده است. زمین بندر خدماتی این سایت هم تحویل شده و پیمانکار آن هم به مناقصه رفته است.» قرار است سه کارخانه LNG (پارس LNG، پرشین LNG و NIOC-LNG) در سایت دوم عسلویه ساخته شود. کارخانه‌هایی که شرکت‌هایی مثل توکال، پتروناس و رپسول در آنها مشارکت دارند: «به‌رغم اینکه قطر ۱۳ سال در برداشت از پارس جنوبی از ایران جلوتر است اما با طرح‌های اجرا شده تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی در تولید گاز از میدان پارس جنوبی با قطر برابر می‌شویم.» رضوی البته ترجیح داد تا چشم بر واقعیت نبندد: «نگرانی ما این است که قطر در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ فازهای جدیدش را افتتاح کرده و از ما پیش می‌افتد.»

■ **زمینه واگذاری صنایع پایین‌دستی پارس جنوبی**

اگر ۲۸ فاز پارس جنوبی به بهره‌برداری برسد، سالی ۴۰ میلیارد دلار سود نصیب کشور خواهد کرد: «در صورتی که روند سرمایه‌گذاری در پارس جنوبی به همین شدت ادامه یابد تا سال ۲۰۱۵ در همه بخش‌ها از قطر پیش خواهیم افتاد.» جلیل رضوی درآمد فعلی ایران از محصولات پارس جنوبی را چنین اعلام کرد: «پنج فازی که به بهره‌برداری رسیده است روزی ۲۰ میلیون دلار سود عاید کشور می‌کند.» پیگیری سیاست‌های اصل ۴۴ به عسلویه هم رسیده است: «سیاست اصلی وزارت نفت این است که در پارس جنوبی چرخه تولید را کامل کنیم. بحث ما جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است.» مدیرعامل منطقه ویژه پارس با اشاره به تشکیل کمیته‌ای در وزارت نفت برای پیدا کردن مصادیق واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی گفت: «الان در پارس جنوبی زمینه‌های واگذاری صنایع پایین‌دستی به بخش خصوصی وجود دارد. در دو ماه گذشته هم ۲۳ موافقت اصولی صادر کرده‌ایم.» عسلویه امروز می‌تواند کانون جذب سرمایه‌گذاران خصوصی باشد: «به دنبال سرمایه‌گذاران بخش خصوصی هستیم.» رضوی شرکت منطقه ویژه پارس را قابل واگذاری ندانست: «ما شرکت سیاستگزار هستیم و نمی‌توانیم خصوصی شویم. اما کارهای خدمات و هتل‌هایمان را کاهش داده و واگذار کرده‌ایم.» وی از صدور ویزای ۱۵ روزه در فرودگاه تازه‌تاسیس خلیج فارس خبر داد: «از شهریورماه، پروازهای خارجی عسلویه آغاز می‌شود.» این نوید بسیار خوبی است برای منطقه‌ای که بیشترین جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دارد.

■ **آسیب‌های اجتماعی در عسلویه**

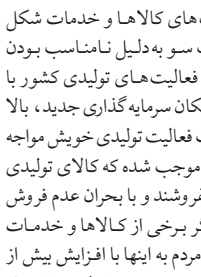
اعترافات مدیرعامل شرکت منطقه ویژه پارس که به نوعی شهردار منطقه است درباره وضعیت فرهنگی- اجتماعی شاغلان پروژه‌های عسلویه لزوم توجه مسئولین همه ارگان‌ها را می‌طلبد: «در منطقه ۶۰ هزار نفر نیروی انسانی کار می‌کنند. این رقم در چند ماه آینده ۲۰ هزار نفر نیز افزایش خواهد داشت. وجود خارجی‌ها شرایط فرهنگی اینجا را دگرگون کرده است.

در بخش‌هایی تضاد فرهنگی و در بخش‌هایی هم تقابل فرهنگی داریم. در بعضی بخش‌ها نیز آسیب‌های اجتماعی زیادی داریم.» سیدجلیل رضوی ادامه می‌دهد: «واقعیت این است که ما با مسائل پیچیده‌ای مواجه هستیم. این جا یک ظرفی بوده که قابلیت این همه فعالیت را نداشته است. در بخش‌های زیربنایی هم عقب هستیم.» آقای شهردار از معضلاتی نظیر اعتیاد ابراز نگرانی می‌کند: «مردم منطقه مردم مومن و ریشه‌داری هستند. ما هم تلاش می‌کنیم تا با کمک دستگاه‌های آموزش و پرورش کار و بهزیستی معضلات مربوط به نیروی کار را حل کنیم.» هم نیروی کار و هم مردم عسلویه نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. اگر این منطقه بار مهمی از اقتصاد ملی را به دوش می‌کشد باید چون نگینی بر انگشتری ایران بدرخشد: «کمیته‌ای با حضور کارشناسان بومی و اساتید دانشگاه به نام کمیته امور اجتماعی تشکیل شده که منجر به طرح جامع مطالعات اجتماعی شده است.» به گفته سیدجلیل رضوی انجمن زنان کارآفرین نیز برای ارتقای توانمندی‌های نیروی بومی تشکیل شده تا بومیان خودشان عهده‌دار باشند: «وزیر نفت دستور ساخت یک هنرستان را هم در منطقه داده‌اند تا نیاز به نیروی کار متبحر از بومیان منطقه تامین شود.» رونق زندگی اجتماعی عسلویه، رونق اقتصادی ایران را به همراه خواهد داشت.

چرخ‌های مربع

بیداری تورم و سرکنگبین واردات

سعید شیرکوند



در هفته‌های اخیر وجود یا عدم وجود گرانی و تورم به یکی از مباحث جدی عمومی کشور تبدیل شده است. ارائه آمارهای مربوط به شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم از سوی بانک مرکزی و استناد بدان توسط دولتمردان اقتصادی از طرف شهروندان با تردید جدی روبه‌رو و با بی‌اعتمادی نسبت بدان‌ها تفسیر می‌گردد. دامنه این بدگمانی‌ها تا بدانجا گسترش یافته است که صحت و سلامت آمارها و دستگاه‌های متولی ارائه آنها را نیز به زیر سئوال برده است. واقعیت آن است که اعتماد شهروندان به دستگاه‌ها و نهادهای متولی تهیه و ارائه آمارهای اقتصادی یکی از اصلی‌ترین مباحث مربوط به «سرمایه اجتماعی» هر کشوری است. بر این اساس نبایستی اجازه داده شود تا این سرمایه اجتماعی همانند سایر سرمایه‌های کشور، به ناشایستگی مورد تعرض قرار گیرد و اعتماد شهروندان به آمارهای ارائه شده توسط سازمان‌های مسئول کم‌رنگ شود.

در محاسبه نرخ تورم بیش از ۳۰۰ کالا و خدمت در سبد محاسباتی قرار می‌گیرد و با بررسی روند افزایش قیمت آنان طی یک دوره زمانی (معمولاً یک ساله) نرخ تورم به‌صورت میانگین وزنی محاسبه می‌گردد. بدیهی است که در این سبد کالاها و خدمات، برخی از آنان افزایش قیمت بیشتری و برخی افزایش قیمت بسیار کمتری را خواهند داشت. بر این اساس میانگین آنها به عنوان نرخ تورم اعلام می‌شود. پیچیدگی و سردرگمی سیاست‌ها و برخی اقدامات روزمره در اقتصاد ایران موجب شده است که وضعیت متضاد و پریشانی در شاخص قیمت‌های کالاها و خدمات شکل گیرد، به‌گونه‌ای که از یک سو به‌دلیل نامناسب بودن «فضای کسب‌وکار» برخی فعالیت‌های تولیدی کشور با بحران کاهش تولید، عدم امکان سرمایه‌گذاری جدید، بالا رفتن هزینه‌های تولید و توقف فعالیت تولیدی خویش مواجه شده و این وضعیت رکودی موجب شده که کالای تولیدی را نتوانند به قیمت مناسب بفروشند و با بحران عدم فروش مواجه شوند. از سوی دیگر برخی از کالاها و خدمات ضروری به‌دلیل نیاز عموم مردم به اینها با افزایش بیش از حد قیمت مواجه شدند. وجود چنین شرایطی که اقتصاد کشور از یک سو با رکود تولید، گسترش بیکاری، بحران فروش کالا و از سوی دیگر با افزایش قیمت کالاهای ضروری و مورد نیاز خانواده‌ها به طور همزمان روبه‌رو شود را در اقتصاد مشاهده می‌کنیم یعنی «تورم رکودی» ایجاد شده است. آمارهای کلان که مورد استناد دولتمردان قرار می‌گیرد تورم را در ۱۰۰ سال گذشته نشان می‌دهد در حالی که مردم عادی و حقوق‌بگیران ثابت در خصوص آن بخش از کالاها و خدمات که در سبد مصرفی آنان وزن و سهم تعیین‌کننده‌ای را دارا است با افزایش چشمگیر قیمت‌ها مواجه هستند و لذا سخن دولتمردان در مورد عدم افزایش قیمت‌ها را با تعجب و تردید می‌شنوند. آنچه گفته شد توصیف روند افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات و نرخ تورم در اقتصاد ایران است که همگان بدان واقف هستند اما نکته‌ای که نگارنده مایل است در حد مختصر بدان بپردازد اقدامات سطحی و روزمره و خطرناکی است که دولت بدان متوسل شده و همچنان بر تداوم آن پای می‌فشارد. در اظهارات دولتمردان بارها بر این نکته تصریح شده است و در ماه‌های گذشته اقدامات مترتب بر آن نیز مشاهده کرده‌ایم، پیچیدن نسخه واردات کالاهای مصرفی و نهایی برای جلوگیری از افزایش قیمت برخی کالاها است. بسیار بدیهی و غیرقابل انکار است که اگر با تکیه بر درآمدهای سرشار نفتی، کالاهای مصرفی و نهایی در حد وفور به کشور وارد شود قیمت آن کالاها ثابت و حتی ممکن است کاهش یابد. این راهی است که همه کشورهای حوزه خلیج‌فارس آن را پیموده و می‌پیمایند. اقتصاد ایران نیز در سال‌های ۵۳ تا ۵۶ از همین راه رفته است و کالاهای خارجی را به مدد دلارهای نفتی تهیه و مصرف کرده است که در نتیجه آن بخش مولد اقتصاد را فدای مصرف بی‌رویه کالاهای خارجی کرده است. نکته مهم در استفاده از این روش آن است که اگر در کشوری با جمعیت محدود مانند کشورهای حوزه خلیج‌فارس از این راه می‌روند به‌دلیل جمعیت کم و منابع سرشار نه‌تنها دغدغه ایجاد اشتغال و گسترش بخش‌های تولیدی را ندارند بلکه نگران بیماری هلندی هم نیستند زیرا با توزیع درآمدهای نفتی می‌توانند برای همیشه مصرف‌کننده ایجاد کنند. کشوری که نرخ بیکاری خصوصاً در مورد تحصیلکردگان آن به‌عنوان یک دغدغه مهم بارها توسط مسئولان مطرح شده است، کشوری که می‌خواهد سند چشم‌انداز بیست‌ساله را مبنا قرار دهد و وابستگی به درآمدهای نفتی را به حداقل برساند، کشوری که می‌خواهد با گسترش فعالیت‌های تولیدی و توانمندسازی بخش خصوصی قدرت اول منطقه شود، کشوری که بسیاری از این شعارهای زیبا و ایده‌آل را سرلوحه سیاست‌های خود معرفی کرده است چگونه می‌تواند با تکیه بر واردات کالاهای مصرفی و نهایی، کاهش وابستگی به نفت و اتکا به درآمدهای مالیاتی، ایجاد اشتغال، توانمندسازی بخش خصوصی، گسترش فعالیت‌های تولیدی و . . . را محقق سازد. واردات کالاهای مصرفی داروی شفابخش نیست بلکه از قضا موجب تشدید بیماری است. از گذشته این کشور می‌توان آموخت که واردات کالاهای مصرفی سم مهلکی برای تولید، اشتغال، درآمدزایی، مالیات‌ستانی و . . . است هرچند در جلوگیری از افزایش قیمت برخی از کالاها موثر باشد.